



Middle East Studies Quarterly

Vol 29. No 2. Summer 2022

Received date: 2022.04.06

Acceptance date: 2022.06.21



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1401.29.2.12.0

Rising Economies in the New World Order and Iran's Economic Development

Ana yousefian¹ Ali soltani² Ham Shirzad³



Abstract

Iran's uneven experience in its economic development process during the last decades, which seemingly culminated in the JCPOA process and continuous efforts made at the removal of sanctions, has made Iran revise its choice of partners in the international scene in order to attain economic development. In the meantime, world developments and the shift in power paradigm based on economy or in other words, the new international order relying on economic variables provide observes with a new outlook. In the existing order, economic rivalries based on technology, communications and information provide the basis for the formation of power structure in the international system. The major players of the international system, which give rise to such rivalries and form international interactions and transactions, include rising economic powers. To investigate this issue, this article proposed the following question: What are the place and role of the rising economies comparatively in the process of Iran's economic development? To answer it, a hypothesis is put forward which suggests that considering Iran's development conditions and structure, rising economies possess a salient place in development relations with Iran because of their flexibility in relations, and cheap, low cost, low risk, non-political and efficient characteristics.

Key words: Rising economies, Regionalization, Geographical Connection, Hyper-Dependence, International Economy

1 - Ph.D. Student of International Relations, Faculty of Political Sciences, Center Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran. Iran.

2 - Assistant Professor of International Relations, Political Science Faculty, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran. Iran.

3 - Assistant Professor of International Relations, Political Science Faculty, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran. Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۲۹، شماره ۲، پیاپی (۱۰۸)، تابستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۱.۲۹.۲.۱۲.۰

اقتصادهای نوظهور در نظم نوین جهانی و توسعه اقتصادی ایران

آنا یوسفیان^۱ علیرضا سلطانی^۲ حمیدرضا شیرزاد^۳



چکیده

تجربه پر فراز و نشیب ایران طی دهه‌های اخیر در پیمودن مسیر توسعه اقتصادی که شاید اوج آن در روند برجام و تلاش‌های مستمر جهت لغو تحریم‌ها بیشتر نمایان شد، ایران را ملزم به بازنگری در انتخاب همراهان خود در عرصه بین‌الملل جهت نیل به توسعه اقتصادی کرده است. در این میان تحولات جهان و تغییر پارادایم قدرت بر مبنای اقتصاد یا به عبارت دیگر نظم نوین بین‌المللی بر مبنای متغیرهای اقتصادی چشم‌انداز دیگری را پیش‌رو قرار می‌دهد. در نظم کنونی رقابت‌های اقتصادی با محوریت فناوری، ارتباطات و اطلاعات مبنای شکل‌دهی به ساختار قدرت در نظام بین‌الملل هستند. بازیگران اصلی نظام بین‌الملل که زمینه‌ساز این رقابت‌ها و شکل‌دهنده تعاملات و معادلات بین‌المللی هستند قدرت‌های نوظهور اقتصادی‌اند. مقاله حاضر با توجه به این امر پرسش اصلی خود را اینگونه مطرح می‌کند که کشورهای نوظهور اقتصادی به لحاظ مقایسه‌ای از چه جایگاه و نقشی در فرآیند توسعه اقتصادی ایران برخوردارند و در پاسخ به آن، فرضیه را اینگونه طرح می‌کند که با توجه به شرایط و ساختار توسعه‌ای ایران، کشورهای نوظهور اقتصادی به لحاظ انعطاف‌پذیری در مناسبات، ارزان، کم‌هزینه، کم‌ریسک، غیرسیاسی و پربازده بودن از جایگاه مناسبی در مناسبات توسعه‌ای با ایران برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: اقتصادهای نوظهور، منطقه‌ای شدن، اتصال جغرافیایی، فرا وابستگی، اقتصاد بین‌الملل.

۱ - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران

anayousefian@gmail.com

۲ - استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران. Ali.soltani@iauctb.ac.ir

۳ - استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران. Ham.shirzad@iauctb.ac.ir

ورود به بحث توسعه اقتصادی جدای از ورود به بحث جهانی شدن نیست. در واقع ادغام و درهم تنیدگی روزافزون اقتصادها در سطح جهان به واسطه افزایش بازرگانی بین‌المللی، جهانی شدن تولید و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مهم‌ترین فرآیندی است که به واسطه آن جهانی شدن شکل گرفته است (بهکیش، ۱۳۹۵: ۲۴). جهانی شدن مهم‌ترین متغیر بین‌المللی و تاثیرگذار بر توسعه اقتصادی به‌شمار می‌آید و همچنین برجسته‌ترین عامل موثر بر پیامدهای توسعه در دنیای در حال توسعه است (ساعی، ۱۳۹۵: ۲۳۴). جهانی شدن از حیث تاثیرش بر اقتصاد بین‌الملل و به تبع آن توسعه به‌طور مداوم از سوی پژوهشگران این حوزه در خور توجه بوده است. از این‌رو بهترین راه برای درک درست از جهانی شدن، پرداختن به اقتصاد جهانی است. دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص نیروهای دخیل در اقتصاد جهانی وجود دارد. از یک منظر سه مجموعه از نیروها، جهانی شدن را پیش برده است. بین‌المللی شدن، انقلاب فناوری و آزادسازی تجارت (بیلیس، ۱۳۸۳: ۶۴۵). در بیشتر مطالعات توسعه و جهانی شدن، مظاهر جهانی شدن را عواملی چون افزایش تجارت جهانی، آزادسازی‌های بیشتر تجاری، افزایش نجومی سرمایه‌های بین‌المللی در قالب بازارهای جهانی سهام و اوراق قرضه، تحرک و قابلیت جابجایی سرمایه، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و رشد شرکت‌های چندملیتی بر می‌شمارند که نزدیک‌ترین مفهوم تحلیلی به آن را می‌توان تشدید وابستگی متقابل در نظر گرفت (پیت، هارت و یک، ۱۹۶: ۲۱۴-۲۱۶). صندوق بین‌المللی پول (IMF) نیز در همین راستا جهانی شدن را رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سرتاسر جهان بر می‌شمارد که پیامد افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه‌گذاری فراتر از مرزها به کمک گسترش تکنولوژی است. بازنسونسون مشخصه‌های عمده جهانی شدن را اینطور بیان می‌کند: یکپارچه شدن تجارت به دنبال از میان رفتن مرزهای تجاری، حرکت شفاف سرمایه، تسریع در تبادل فناوری و افزایش میزان مصرف‌گرایی در سطح جهان (بهکیش، ۱۳۹۵: ۲۵). از این‌رو کشورها به همان میزانی که از درهم تنیدگی و ادغام در اقتصاد بین‌الملل برخوردارند، از فرصت‌های بیشتری جهت پیشبرد توسعه اقتصادی بهره‌مند می‌شوند. این در حالیست که ایران با توجه به میزان ادغام ناکافی در اقتصاد جهانی تاکنون آن‌گونه که باید در مدار توسعه اقتصادی قرار نگرفته است. نگاه به برخی از شاخص‌های توسعه ایران بر اساس گزارشات سازمان‌ها و موسسات بین‌المللی تصویری شفاف‌تر در این خصوص در اختیار قرار می‌دهد. بر اساس آمار بانک جهانی شاخص درآمد ملی سرانه در ایران تا سال ۲۰۲۰ روندی نزولی داشته و رتبه انجام کسب‌وکار^۱ در ایران ۱۲۸ در میان ۱۹۰ کشور است (Doing business report, 2020). بر اساس گزارش لگاتوم ایران در سال ۲۰۱۸ دارای رتبه ۹۴ شاخص برابری اقتصادی، رتبه ۱۱۵ شاخص محیط کسب‌وکار در میان ۱۴۹ کشور مورد نظر در این سنجش به خود اختصاص می‌دهد (Global competitiveness report, 2018). نمره آزادی اقتصادی در ایران ۵۰.۹ است که رتبه آزادی اقتصادی ۱۵۶ را در جهان و رتبه ۱۳ از ۱۴ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را به ایران اختصاص داده است. شاخص شفافیت اقتصادی ایران ۱۳۰ در میان ۱۸۰ کشور است (Global competitiveness report, 2018). این در حالیست که ایران با دارا بودن ۱۰ درصد از ذخایر نفتی جهان و ۱۵ درصد ذخایر گازی، یک ابرقدرت در زمینه انرژی به حساب می‌آید که با در پیش گرفتن سیاست درون‌نگر نتوانسته مانند اقتصادهای نوظهوری چون کره جنوبی، چین، برزیل، مکزیک و... به صحنه بین‌المللی در راستای گسترش صادرات غیرنفتی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دستیابی به فناوری‌های پیشرفته و ایجاد اهدافی برای سرمایه‌گذاری ورود کند. با وجود شاخص‌های ناامیدکننده، تغییراتی که به واسطه رشد اقتصادهای نوظهور و تغییر وزن جهانی اقتصاد رخ داده اکنون جنبه تازه‌ای از جهانی شدن در حال شکل‌گیری است که می‌توان آن را بستر یا فضای نوین، نظم نوین، منطقه‌ای شدن و یا

۱- شاخص انجام کسب‌وکار اشاره به قوانین مربوط به کسب‌وکار و حمایت از حقوق مالکیت دارد.

نوعی آسیاگرایی قلمداد کرد که مبنای ادعای پژوهش حاضر در خصوص ویژگی‌های عنوان‌شده برای اقتصادهای نوظهور و فرصت‌های تازه برای دستیابی ایران به توسعه اقتصادی است.

پیشینه تحقیق

در خصوص کانتکتست نوین جهانی به واسطه شکوفایی اقتصادهای نوظهور و نیز ظرفیت‌ها و پتانسیل آن‌ها ادبیات به روز گسترده‌ای وجود دارد. پاراگ خانا از نویسندگان مطرح حوزه آسیا و اقتصادهای نوظهور در کتابی به نام «آینده، آسیایی ست» که در سال ۲۰۱۹ به چاپ رسید به ظهور و بروز یک سیستم، به دنبال حجم قابل توجه تجارت میان آسیا و باقی جهان اشاره دارد. او پایان جنگ سرد را آغاز بروز این سیستم بر می‌شمارد که به صورت فزاینده‌ای در حال منطقه‌ای شدن و افزایش وابستگی متقابل با رویکردی چندجانبه‌گرایانه است. در فصلی از کتاب تحت عنوان «آسیانومیکس» که از تلفیق دو واژه آسیا و اکونومیک ساخته شده است، اقتصاد جهانی متمرکز بر آسیا را به تصویر می‌کشد. او موج سوم رشد آسیا را با کاهش شدت رشد چین و به‌طور همزمان رشد آسیای مدرن که توسط ژاپن، کره جنوبی و چین پس از جنگ آغاز شده است نشانه‌گذاری می‌کند. او مولفه جمعیت و جغرافیا که بیشترین سهم از جمعیت آسیا را در خود جای داده است را در شکل‌گیری این موج موثر می‌داند و اینگونه آن را شرح می‌دهد: در دهه شصت و هفتاد میلادی روی هم‌رفته ژاپن و کره جنوبی جمعیتی کمتر از ۱۵۰ میلیون داشتند. چین در دهه ۱۹۹۰ کمی بیش از ۱ میلیارد نفر جمعیت داشت. امروزه گستره اقتصادهای با رشد بالا از پاکستان تا اندونزی ۲.۵ میلیارد نفر و ۳۰۰ میلیون نفر دیگر در غرب آسیا را شامل می‌شود با منطقه رشد تشکیل‌شده از مثلث ترکیه - عربستان سعودی - ایران (Khanna, 2019: 137). زمینه ادعای او را می‌توان در اثر دیگری تحت عنوان «اتصال جغرافیایی» که در سال ۲۰۱۶ به چاپ رسید، مشاهده کرد. او در این کتاب نیز با تمرکز بر اتصال‌های جغرافیایی در قالب زیرساخت‌های فیزیکی همچون جاده‌ها، بنادر و... با نقش‌آفرینی طرح ابتکاری «کمربند و جاده» چین، آینده پویایی‌های اقتصادی را به صورت عمده در منطقه آسیا با بازیگری اقتصادهای نوظهور می‌بیند. به باور او در آینده جهانی شدن بیش از آمار و ارقام در گرو پدیده «اتصال جغرافیایی» و یا به عبارت دیگر نزدیکی جغرافیایی است که نقش پررنگ‌تری نسبت به پدیده «جهانی‌شدن» دارد (Khanna, 2016: 41).

در کتاب دیگری تحت عنوان «برخاستن بریکس در اقتصاد سیاسی جهانی: پارادیم‌های در حال تغییر» به نوشته لو و هیسکاک، چاپ سال ۲۰۱۴ نیز به پتانسیل‌ها و ثمرات شکوفایی اقتصادهای نوظهور اشاره شده است. در بخش نتیجه‌گیری کتاب به سه استدلال پرداخته می‌شود که در آن کشورهای نوظهور به‌عنوان بازیگران مثبت در روند حمایت و بازسازی سازنده سیستم حکمرانی جهانی برای نگهداشتن ثبات آن، معرفی می‌شوند. آن‌ها ائتلاف میان اقتصادهای نوظهور را برخلاف اتحادهای تکامل‌یافته چون ناتو، ائتلافی بر پایه گفتگو و دادوستد بر می‌شمارند (Lo, Hiscock, 2014: 310) که باعث می‌شود بیشتر رنگی تجاری به خود بگیرد تا نظامی و امنیتی.

انوشیروان احتشامی در کتاب اخیر خود تحت عنوان «برخاستن چین، چگونه خاورمیانه را تغییر می‌دهد» به تاثیر توان اقتصادی چین و طرح ابتکاری «کمربند و جاده» می‌پردازد. او ظهور چند قدرت اقتصادی بزرگ غیرغربی به‌طور همزمان و نه ظهور یک قدرت به قیمت حذف قدرت دیگری را عامل تغییر اساسی در وزن اقتصاد جهانی می‌داند که طی ۳۰ الی ۴۰ سال گذشته از مرزهای اروپا شروع شده و اکنون بر مرزهای ایران و ترکیه قرار گرفته است و منجر به ظهور یک محور اقتصاد جهانی شده است که با توجه به سه رخداد ذیل نوعی تغییر سیستمیک را به دنبال دارد: (۱) اقتصادهای نوظهور: برزیل، چین، هند، اندونزی، مکزیک، روسیه، ترکیه، که روی هم‌رفته ۵۰٪ تولید ناخالص داخلی جهانی را تا سال ۲۰۵۰ تشکیل می‌دهند. (۲) پیش‌بینی می‌شود که سود ناخالص داخلی در سطح جهانی بسیار بیشتر از آن چیزی خواهد بود که اکنون شاهد آن هستیم. به این معنا که قدرت نسبی این کشورها به نسبت آنچه در سال ۲۰۲۰ است به مراتب بیشتر خواهد بود که در

مقایسه با سهم گروه ۷ که ۲۰٪ سود ناخالص داخلی جهانی را تا سال ۲۰۵۰ تشکیل خواهند داد، نشانه بارزی از چگونگی تحول اقتصاد با عبور از ناحیه آتلانتیک به سوی هفت اقتصاد نوظهور است. پیش از آغاز پاندمی کرونا چین به تنهایی ۱۲٪ تجارت کالای جهانی را به خود اختصاص می‌داد که به معنای تجارتي به ارزش تریلیون‌ها دلار با محوریت چین است. این در حالیست که ایالات متحده ۱۱٪ تجارت کالای جهانی را در سال مشابه به خود اختصاص داده است. (۳) ۳۰٪ از تولید و صادرات جهانی امروز توسط تعدادی از کشورهای آسیایی انجام می‌شود که روزه‌به‌روز ارتباط نزدیک‌تر و قوی‌تر بین آن‌ها، در حال شکل دادن به زنجیره تولید نیرومندی است که سرتاسر آسیا و کناره شرقی آن را فرا می‌گیرد. برخاستن چین در آسیا این امکان را فراهم کرده که آسیا به پویاترین منطقه از این منظر تبدیل شود و راهبرد جهانی «یک کمربند و یک جاده» و همه آنچه با آن در ارتباط است راهی برای انرژی‌بخشی به سیستم درهم تنیده‌ای از زیرمنطقه‌های آسیایی است. آسیا اکنون بزرگترین منطقه جهانی است که در آن نه تنها ظهور زیر منطقه‌ها بلکه همگرایی زیرمنطقه‌ها نیز در حال رخ دادن است. زیرمنطقه‌هایی که شامل آسیای شمال شرق، آسیای جنوب شرق، آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و آسیای غربی یا منطقه خلیج فارس می‌شود. زیرمنطقه‌های نامبرده در حال توسعه و متمرکز به سمت شرق هستند (Ehteshami, Horesh, 2020: 35).

در خصوص ادبیات مربوط به توسعه اقتصادی ایران، محمد مهدی بهکیش در کتاب «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن»، ضمن معرفی توسعه، تولید کالا و خدمات به عنوان محور توسعه، بر تولید منتهی به گسترش صادرات تاکید دارد که لازمه آن را قرار گرفتن ایران در مدار جهانی شدن می‌داند. از نظر او هدف ایران باید با توجه به شرایط خاص و ویژه از نظر جغرافیایی و ژئوپلیتیک و بهره‌مندی از منابع طبیعی فراوان و نیروی انسانی جوان ادغام در فرآیند جهانی شدن به منظور بهره‌برداری از آن باشد. لازمه این ادغام از نظر ایشان استفاده از پتانسیل مزیت‌های نسبی، فراهم آوردن دسترسی به بازارهای بین‌المللی و در نهایت به حداکثر رساندن تولید و صادرات است (بهکیش، ۱۳۹۵: ۳۹۰). در کتاب «اقتصاد سیاسی و سیاست خارجی» محمودخانی جوی‌آباد، در عصر پرشتاب جهانی شدن وضعیت ژئوکالچر، ژئو اکونومی و ژئو استراتژی منحصر به فرد ایران را با تمرکز بر رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیازمند «سیاست خارجی چند کانونه» می‌بیند. بدین معنا که ایران می‌تواند با بهره‌گیری از وزن متفاوت بازیگران کلیدی عرصه بین‌الملل زمینه همکاری، تلفیق منافع و ارزش‌های مشترک و ائتلاف‌سازی با نیروهای جدید جهانی شدن از جمله چین، روسیه (اقتصادهای نوظهور) و قدرت‌های غربی و اروپایی را فراهم کند (جوی‌آباد، ۱۳۹۹: ۵۵۶-۵۵۸).

مبانی نظری

حوزه نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل را به دو گروه نظریه‌پردازی رده اول و رده دوم می‌توان تقسیم کرد که رده اول آن به فهم ما در خصوص ساختار و پویایی نظام بین‌الملل کمک می‌کند. نظریه لیبرالسیم از جمله نظریات رده اول است که بارها در اشکال نوینی در رشته روابط بین‌الملل با توجه به پویایی و تحولات نظام بین‌الملل عرض اندام کرده است. هسته مرکزی این نظریه بر باور به امکان تحول در روابط بین‌الملل در قالب همکاری، کاهش تعرضات و در نهایت رسیدن به صلح جهانی استوار است (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۲۷). پس از بروز تغییرات در ویژگی‌های اصلی روابط بین‌الملل در اواخر دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی و کاهش تنش، مسائل اقتصادی و سیاسی از محوریت بیشتری برخوردار شدند به طوری‌که مفروضات نظریه واقع‌گرایی از تبیین تمامی مسائل بین‌الملل عاجز بود. همین امر منجر به شکل‌گیری نظریه وابستگی متقابل شد که ریشه در طرز تفکر بین‌الملل‌گرایانه و همچنین نظریات همگرایی منطقه‌ای دارد. از این رو نظریه‌پردازان وابستگی متقابل نگرش‌های نظریه همگرایی منطقه‌ای را به بخشی از مسائل وابستگی متقابل اقتصادی بین‌الملل تعمیم دادند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۴۸).

در گفتگوی عامیانه، وابستگی به معنای تاثیر گرفتن از عوامل خارجی به میزان قابل ملاحظه است. وابستگی متقابل به بیان ساده عبارت است از وابستگی دوجانبه و در سیاست جهانی اشاره به وضعیت‌هایی دارد که توسط اثرات متقابل میان کشورها یا میان بازیگران در کشورهای متفاوت توصیف می‌شود. این تاثیرات معمولاً نتیجه داد و ستدهای بین‌المللی از جمله جریان پول، انسان‌ها، کالاها، و پیام‌ها در سرتاسر مرزهای بین‌المللی هستند (Keohane, Nye, 2012: 3-9). نظریه‌ای همسو و قابل تامل دیگر در پژوهش حاضر با توجه به تمرکز بر اقتصادهای نوظهور، نظریه چینی روابط بین‌الملل است که می‌تواند در تبیین وضع موجود جنبه تکمیلی داشته باشد. پارادایم چینی به مطالعه نظری با ایدئولوژی و فلسفه چینی اشاره دارد. کین با استفاده از فلسفه، منطق و متافیزیک چینی سعی بر توضیح پویایی روابط بین‌الملل امروزی دارد (گراچیکوف، ۲۰۱۹). یاکینگ کین وابستگی را هسته مرکزی این نظریه بر می‌شمارد و دو مفهوم کلیدی را به‌عنوان اساس معرفت‌شناسی آن مطرح می‌کند: (۱) فرا وابستگی بر اساس بین و یانگ (زن و مرد) و (۲) دیالکتیک زونگ یونگ به‌عنوان راهی برای فهم فرا وابستگی به‌عنوان نظریه همراه، به معنای بودن در درون دیگری به دور از تر و آنتی‌تر به مفهوم هگلی. به‌عبارت دیگر هدف او تغییر مسیر از پارادایم «یا این یا آن» به پارادایم «هم این هم آن» است. مفهوم وابستگی در این نظریه بر سه فرض استوار است: (۱) وابستگی متقابل بدان معنا که مردم و حوادث با حلقه‌های ارتباطی‌ای که هم‌پوشانی دارند به هم پیوسته هستند (۲) روابط میان بازیگران: بدان معنا که بازیگران به‌طور مستقل و جدا از یکدیگر نمی‌توانند وجود داشته باشند بلکه تنها در دایره‌های اجتماعی این اتفاق میسر است. (۳) روند: بدان معنا که همه چیز در وضعیت شدن است و نه در وضعیت بودن (Xing, 2019: 45-46). با توجه به مفروضات مشترک، ریشه فکری نظریه چینی را می‌توان در نظریه وابستگی متقابل جستجو کرد که بیانگر مجموعه‌ای از خصوصیات است که وابستگی متقابل پیچیده را تشریح می‌کند. (۱) اتصال جوامع به وسیله روابط میان دولت‌ها، روابط فراحکومتی و روابط فراملی (۲) جدایی‌ناپذیر بودن مسائل اقتصادی، رفاهی و مسائل امنیتی و نظامی در روابط میان دولت‌ها (۳) اولویت چارچوب‌بندی روابط میان کشورهای حاضر در منطقه وابستگی متقابل، در قالب گفتگو و تمرکز بر رفاه اقتصادی و نه امنیتی که همین امر به روابط، شکلی سیال و قابل انعطاف می‌دهد.

ظرفیت‌ها و فرصت‌های توسعه‌ای اقتصادهای نوظهور

اقتصادهای نوظهور از جنبه‌های گوناگونی می‌توانند در فرآیند توسعه اقتصادی ایران نقش‌آفرینی کنند. در این راستا با توجه به شاخص‌های بین‌المللی توسعه و دیگر خصوصیات، ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برخورداری از شاخص‌های توسعه‌ای بین‌المللی مطلوب

با توجه به مولفه‌هایی چون شاخص‌های بین‌المللی تعیین‌کننده در سرمایه‌گذاری، تجارت خدمات، جمعیت مصرف‌کننده، زیرساخت و... در شرایط نبود تحریم‌های بین‌المللی اقتصادهای نوظهور هدف مطلوب‌تری برای سرمایه‌گذاری و همچنین جذب سرمایه از سوی ایران به حساب می‌آیند. طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ شرایط مناسب سرمایه‌گذاری از جمله فضاهای بومی، نهادی، تنظیمی و سیاست‌گذاری، نقش مهمی در ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری و پیشرفت تولید دارد. یافته‌های یک پژوهش تجربی، فاکتورهای تنظیمی و اقتصاد کلان بر سرمایه‌گذاری کلی در تعدادی مشخص از اقتصادهای نوظهور را موثر دیده است (Birungi, Biekpe, 2013: 49). بر اساس گزارش کسب‌وکار سال ۲۰۲۰ در میان

۱ - گزارش کسب‌وکار ابعاد مقررات کسب‌وکار را که بر شرکت‌های داخلی کوچک واقع شده در بزرگترین شهرهای تجاری اثر می‌گذارد را در ۱۹۰ اقتصاد جهان مورد بررسی قرار می‌دهد. این گزارش ۱۲ حوزه تنظیم مقررات را مورد مطالعه قرار می‌دهد: آغاز کسب‌وکار، انجام امور مربوط به کسب مجوز ساخت، دریافت برق، ثبت مالکیت، کسب اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران در اقلیت،

چهل و دو کشور که به طور کلی از نظر کسب و کار برترین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند نام کشورهای چین، هند و اندونزی دیده می‌شود و کشورهایی که در مواردی خاص با تغییر قوانین شرایط انجام کسب و کار را آسان‌تر کرده‌اند نام چین، هند، کره، مالزی، پاکستان، روسیه، سنگاپور، تایلند، ترکیه و ویتنام دیده می‌شود (Doing business report, 2020).

از سوی دیگر انجمن جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۸ شاخص رقابت‌پذیری^۱ چهار را به عنوان قطب‌نمای جدید اقتصادی معرفی کرد. شاخص جدید معیاری برای سیاستگذاران از طریق ایجاد چشم‌اندازی گسترده جهت ارزیابی پیشرفت بر اساس مجموعه‌ای از عوامل موثر بر تولید است (The Global Competitiveness Report 2019: 20). دو منطقه شرق آسیا و پاسفیک و جنوب آسیا بر اساس شاخص رقابت‌پذیری چهار (میانگین ۱ تا ۱۰۰) به ترتیب از میانگین عددی نزدیک به ۷۰ و ۶۰ است (The Global Competitiveness Report 2019: 27). به گزارش سال ۲۰۱۹ لگاتوم^۲ که کشورها را بر اساس شاخص رفاه - ترکیبی از سلامت اجتماعی و اقتصادی - رتبه‌بندی می‌کند، بیشترین پیشرفت رفاه در منطقه آسیا پاسفیک بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ رخ داده است (Legatum Prosperity index, 2019: 25).

پر بازده بودن اقتصادهای نوظهور با توجه به عامل جمعیت و میزان توسعه‌یافتگی

از جمله عوامل تعیین‌کننده برای انتخاب اهداف سرمایه‌گذاری پر بازده می‌توان به دو عامل جمعیت مصرف‌کننده و افزایش پویایی‌هایی شهرنشینی اشاره کرد که به دنبال آن نیاز به زیرساخت‌های فیزیکی و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. نیاز به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آینده به شدت با نرخ یک اقتصاد مرتبط است و رشد می‌کند. با افزایش درآمد و جمعیت، کسب و کارها به انرژی و آب بیشتری برای حمایت از فرآیندهای تولیدی خود نیاز دارند. از طرف دیگر نیاز فرایند‌های حمل و نقل و به‌عبارت دیگر زیرساخت‌های جابجایی افراد و کالاها دارند، رشد اقتصادی باعث افزایش تقاضا برای خدمات خانگی، سفر و دسترسی به کار و اوقات فراغت می‌شود. به این ترتیب، پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی و جمعیتی در درک چگونگی نیاز به زیرساخت در سال‌های آینده توسعه بسیار مهم است. به عنوان مثال، کشوری که با افزایش عمده جمعیت در ۲۵ سال آینده مواجه خواهد شد نسبت به کشوری که جمعیت آن در رکود است نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین‌تری برای تامین نیاز جمعیتش دارد (Global Infrastructure Outlook, 2017: 18). به طور مثال آسیای جنوبی شامل هشت کشور است و ۲۵٪ جمعیت جهان را در ۴٪ مساحتش و ۴٪ اقتصادش جای می‌دهد. این منطقه شامل هند می‌شود که به زودی جمعیت آن از چین پیشی می‌گیرد. به طور کلی پیش‌بینی می‌شود که مجموع جمعیت آسیای جنوبی و سهم آن از جمعیت جهان طی چند دهه آینده افزایش یابد. این منطقه همچنین سه کشور از پرجمعیت‌ترین کشورهای مسلمان جهان را شامل می‌شود: هند، پاکستان، و بنگلادش (Hass, 2020: 48). رشد سریع جمعیت، اقتصاد و مهاجرت گسترده میان شهر و روستا از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزی شهری و حمل و نقل در کلان‌شهرهای نوظهور آسیاست که به دنبال آن تغییر

پرداخت مالیات، تجارت برون‌مرزی، اجرای قراردادهای حل مشکلات ورشگستگی و علاوه بر این ارزیابی مقررات مربوط به استخدام کارمندان و قرارداد بستن با دولت که دو مورد آخر در رتبه‌بندی لحاظ نمی‌شوند.

۱ - این شاخص شامل ۱۲ پایه است: نهادها، زیرساخت، سازگاری با فناوری ارتباطات و اطلاعات، ثبات اقتصاد کلان، سلامت، مهارت، بازار محصول، بازار کار، سیستم مالی، اندازه بازار، پویایی اقتصادی، و قابلیت نوآوری است. هدف عمده شاخص رقابت‌پذیری اندازه‌گیری محرک‌های بهره‌وری کل عوامل است (تی‌پی‌اف) بخشی از رشد اقتصادی که تنها با سنجش میزان رشد تولید قابل توضیح نیست و به‌عبارتی دیگر تا چه اندازه ادغام بخش کار و سرمایه در تولید خروجی موثر واقع شده است.

۲ - گزارش لگاتوم شامل ۱۲ ستون است: امنیت، آزادی شخصی، حکمرانی، سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری در حوزه محیط‌زیست، شرایط شرکت‌ها، دسترسی به بازار، زیرساخت، کیفیت اقتصاد، شرایط زندگی، سلامت، آموزش، محیط‌زیست طبیعی است.

شگرفی در تقاضای حمل و نقل و ساختار آن رخ داده است. بخش بزرگی از تقاضای جدید ناشی از افزایش سریع مالکیت خودرو شخصی و عدم گستردگی سیستم حمل و نقل عمومی است (Kato et. al, 2017).

طی دهه گذشته نرخ رشد در آسیا از سایر مناطق جهان پیشی گرفته است. پیش‌بینی‌های تولید ناخالص داخلی، برگرفته از مدل اقتصادی جهانی آکسفورد اکونومیکس، نشان می‌دهد که نرخ رشد در آسیا احتمالاً در دوره منتهی به سال ۲۰۵۰ از میانگین ۵.۳ اندکی کاهش می‌یابد که در دهه گذشته به‌طور متوسط به ۳.۷ درصد رسیده است. با این حال، انتظار می‌رود این منطقه تا سال ۲۰۴۰ تقریباً نیمی از تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص دهد که پیامدهای واضحی برای آن خواهد داشت از جمله رشد نیاز به سرمایه‌گذاری در زیرساخت. این در حالیست که رشد در اروپا تا سال ۲۰۴۰ اندکی افزایش یابد و ضعیف‌تر از سایر مناطق، در حدود ۱.۳ درصد در سال باقی می‌ماند. آفریقا با رشد ۴.۲ درصد در سال پیش‌بینی می‌شود به سریع‌ترین میانگین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی طی ۲۵ سال آینده برسد با وجود اینکه انتظار می‌رود تا سال ۲۰۴۰، برابر با ۶.۴ باقی بماند (Global Infrastructure Outlook, 2017: 19). تعیین تقاضای زیرساخت به‌طور پیچیده با اقتصاد مرتبط است. به‌طور مثال، نرخ رشد اقتصادی نسبتاً قوی آفریقا با رشد بسیار قوی جمعیت پشتیبانی می‌شود: انتظار می‌رود جمعیت این قاره تا سال ۲۰۴۰ از دو میلیارد فراتر رود - افزایش تقریباً ۷۵ درصدی نسبت به رقم ۱.۲ میلیارد در سال ۲۰۱۵ که باعث افزایش سهم این قاره از جمعیت جهان از ۱۶ درصد به ۲۲ درصد خواهد شد. در اروپا اما انتظار می‌رود رشد جمعیت تا سال ۲۰۴۰، در حدود ۷۰۰ میلیون نفر متوقف شود (Global Infrastructure Outlook, 2017: 19).

جمعیت جوان و قشر متوسط رو به رشد از عوامل تعیین‌کننده پیشبرد رشد داخلی و رشد مصرف پایدار به حساب می‌آیند. گزارش موسسه پژوهشی گلدمن ساکس تحت عنوان «مصرف‌کنندگان در حال تکامل اقتصادهای نوظهور» جمعیت انبوه میلیالی در این اقتصادها را عامل تعیین‌کننده ظرفیت سرمایه‌گذاری عنوان می‌کند و از آن به‌عنوان «تاثیر میلیالی» نام می‌برد و سه عامل کلیدی دیجیتالی‌شدن، تغییر سبک زندگی با تمرکز بر تفریح و تجربه‌های نو و نیز افزایش تمایل به مصرف محصولات با کیفیت برتر را مبنای تحلیل خود قرار داده و از این‌رو فرصت‌های کشف نشده و متنوعی را در اقتصادهای نوظهور برای سرمایه‌گذاری ترسیم می‌کند (Goldman Sachs, 2017). بر اساس آخرین بررسی «مصرف‌کنندگان نوظهور» توسط موسسه کردیت سوییس افزایش تمایل به مصرف در کشورهای آسیایی مانند چین، هند و اندونزی به‌عنوان بازار مصرف نهایی از میزان قابل توجهی برخوردار است (Strobeak, Hechler, 2018: 16-17). در مقابل ایران نیز دارای پتانسیل لازم به‌عنوان یکی از اهداف سرمایه‌گذاری توسط اقتصادهای نوظهور است، بررسی‌های موسسه پژوهشی کردیت سوییس تحت عنوان بازارهای مرزی که به ارتباط مستقیم میان رشد سرانه ناخالص ملی و پیشرفت شهرنشینی می‌پردازد ایران را با دارا بودن نرخ شهرنشینی بیش از ۶۰٪ که از بالاترین‌ها در بازارهای مرزی و نیز بالاتر از میانگین بازارهای توسعه‌یافته است مقصدی مناسب جهت سرمایه‌گذاری عنوان کرده است (Radman, Sai, 2016: 16).

از دیگر مزایای رشد جمعیت در کشورهای نوظهور اقتصادی برای ایران رشد تقاضای انرژی است که با توجه به بررسی‌های انجام‌شده گزارش چشم‌انداز جهانی نفت، گسترش کمتر جمعیت در بخش اروپایی و آسیا اقیانوسیه - کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی - کاهش تقاضای حمل و نقل و در نتیجه انرژی را در پی خواهد داشت (World oil outlook 61: 2045, 2020). از این‌رو با توجه به کاهش تقاضای ناشی از کاهش جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته، اقتصادهای نوظهور مقصد مطلوب‌تری برای ایران در خصوص صادرات انرژی خواهند بود.

ارزان و کم هزینه بودن تبادلات توسعه‌ای

یکی از دغدغه‌های تولید، حذف فاصله زمانی برای حفظ جایگاه رقابتی در تولید و طراحی و یا به عبارت دیگر کوتاه کردن چرخه زمان تولید است. از این‌رو نیاز به استقرار در مرکز برای تحت کنترل داشتن تولید و تقسیم کار جهت دسترسی به

بازار دو عامل متنازع و حیاتی هستند (Livesey, 2017: 57). به عبارت دیگر دو عامل زمان و مکان تعیین‌کننده هزینه نهایی تولید هستند. از این رو طی یک دهه گذشته بیشترین حجم تجارت اروپا در داخل منطقه اروپا رخ داده، همین امر در مورد آسیا و آمریکایی شمالی نیز صدق می‌کند. منطقه‌گرایی را می‌توان در این مرحله نوع تازه‌ای از جهانی‌شدن قلمداد کرد که مدت‌هاست آغاز شده است که سه قطب و سه منطقه در حال هدایت آن هستند. ژئوپلیتیک نیز در این دگرگونی نقش بسزایی دارد با توجه به طرح مقاومت‌سازی زنجیره‌های تولید^۱ در حال شکل دادن به نوع جدیدی از جهانی‌شدن یا همان تنظیم مجدد^۲ زنجیره‌های تولید است. اصلاح تمرکز بیش از حد تولید در چین با تمرکززدایی از چین^۳ توسط کشورهای مانند استرالیا، ژاپن، هند در بخش فناوری ارتباطات راه دور، دارویی، قطعات خودرو و... خود الگوهای تازه‌ای از جهانی‌شدن و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را نشان می‌دهد که الزاما به معنای منطقه‌گرایی در برابر جهانی‌شدن نیست بلکه نشان‌دهنده وقوع دو رویداد جهانی‌شدن و منطقه‌ای‌شدن به صورت همزمان است. شعار «همان جایی تولید کن که می‌فروشی» مستلزم داشتن زنجیره‌های تولید پراکنده در نقاط مختلف جهان است که با توجه به دغدغه‌های زیست‌محیطی نیز در زمینه تجارت غذا و انرژی منطقه‌گرایی، الگوی موفق‌تری خواهد بود (Khanna, 2020). در این خصوص ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و همسایگی با بخش مهمی از اقتصادهای نوظهور می‌تواند هم در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع نفتی و غیرنفتی (انرژی و کالا) با تمرکز بر انتقال فناوری مورد هدف قرار گیرد و هم می‌تواند با توجه به نزدیکی جغرافیایی از الگوهای تولید نوسپاری و درون‌سپاری در راستای متنوع‌سازی اقتصادی پیروی کند. به عبارت دیگر آغاز روند توسعه‌محور با تمرکز بر اقتصادهای نوظهور نیازمند داشتن درک مناسبی از زنجیره اتصال منطقه‌ای کالا دارد که در نظم نوین جهانی با محوریت چین و بازیگری فعال اقتصادهای نوظهور در حال پیشرفت است. ایران با توجه به جغرافیا و اتصالات تاریخی-تمدنی‌اش هم‌زمان به چهار زیر سیستم منطقه‌ای از جمله اوراسیا، شامات، خلیج فارس و آسیای جنوبی و شهرهای مهم تاریخی در این مناطق متصل است. رشد و توسعه اقتصادی ایران با گسترش و کاربرد کردن این جغرافیا به اروپای شرقی، مرکزی و شمال آفریقا با استفاده از هر دو مسیر زمینی و دریایی می‌تواند منافع اقتصادی قابل توجهی را در قالب تبادل کالا و خدمات برای ایران رقم بزند (برزگر، روزنامه شرق، ۱۴۰۰).

آسان بودن تعاملات توسعه‌ای از منظر دغدغه‌های زیست‌محیطی

در گزارش چشم‌انداز جهانی نفت در سال ۲۰۲۱ میزان تقاضای انرژی متاثر از دغدغه‌های زیست‌محیطی از سوی اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور مورد مقایسه قرار گرفته است. بر اساس این گزارش که در آن عرضه و تقاضا به‌عنوان یک فرض اصلی قلمداد شده است تقاضای انرژی از منظر نوع آن در مناطق مختلف جهان متفاوت خواهد بود به‌طوری‌که در مناطق توسعه‌یافته تداوم استقرار فناوری‌های انرژی‌های کارآمد باعث کاهش سالیانه تقاضای انرژی اولیه در دراز مدت خواهد شد. همچنین گسترش کمتر جمعیت در بخش اروپایی و آسیا اقیانوسیه OECD، کاهش تقاضای حمل‌ونقل و در نتیجه انرژی را در پی خواهد داشت (World oil outlook 2045, 2020: 61). کشورهای OECD با توجه به در پیش گرفتن راه‌حل‌های کاهش نیاز شدید به انرژی و افزودن بر ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر به سمت کربن‌زدایی و کاهش انتشار کربن در حال حرکت هستند. از این رو تقاضای انرژی اولیه در مناطق توسعه‌یافته در بخش سوخت‌های فسیلی در حال طی روندی رو به کاهش بخصوص متاثر از همه‌گیری کرونا است که با ارائه مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و برقی کردن حمل‌ونقل همراه شده است. در این میان حتی برخی کشورها تا سال ۲۰۳۰ اعمال محدودیت‌هایی برای فروش

1 - Supply Chain Resilience Initiative/ Supply Chain Diversification and Resilience.

2 - recalibration

3 - De concentrating out of China

ماشین‌های مصرف‌کننده سوخت‌های فسیلی در بخش حمل‌ونقل را هدف‌گذاری کرده‌اند. این در حالیست که افزایش جمعیت، افزایش شهرنشینی و رشد فعالیت‌های اقتصادی، تقاضای انرژی را در مناطق غیر OECD افزایش می‌دهد. بیشتر رشد تقاضای انرژی از سوی هند و چین خواهد بود که در راستای حفظ ویژگی مقرون‌به‌صرفه بودن تمرکز بر استقرار منابع موجود و امنیت عرضه خواهد بود (World oil outlook 2045, 2020: 63-65).

با توجه به نقشه راه متفاوت میان اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور در زمینه نوع انرژی مورد تقاضا می‌توان انتظار داشت که هدف سرمایه‌گذاری از سوی کشورها نیز متفاوت باشد. به‌طوریکه در نقشه راه «انتشار صفر تا سال ۲۰۵۰» تهیه‌شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی، سرمایه‌گذاری در انرژی پاک به‌عنوان هدف اصلی از سوی اقتصادهای توسعه‌یافته به‌منظور کاهش انتشار کربن به میزان ۹۵٪ تا سال ۲۰۵۰ از طریق سرمایه‌گذاری‌های عمده در زیرساخت‌های مورد نیاز، اعلام شده است (Net Zero by 2050: A Roadmap for the Global Energy Sector, 2021). تغییر رویکرد مذکور از سوی اقتصادهای پیشرفته برای ایران که افزایش تولید نفت در راستای تامین اهداف اقتصادی و توسعه‌ای برای آن یک ضرورت راهبردی به حساب می‌آید گزینه مناسبی نمی‌تواند باشد. ضریب برداشت نفت در حال حاضر در ایران با توجه به میزان فناوری و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده ۲۵٪ است که با در نظر گرفتن عمر میادین و چاه‌های نفت ایران که عموماً در دهه دوم هستند این ظرفیت منطقی است. امروزه به دنبال رشد فناوری‌های صورت گرفته این میزان در دیگر نقاط دنیا به ۵۵٪ الی ۶۰٪ رسیده است. این امر نشان‌دهنده امکان حضور فرصت‌ها و ظرفیت‌های بین‌المللی در حوزه‌هایی چون مالی، سرمایه‌ای، فنی و مهندسی برای کشوری چون ایران است که به لحاظ مجموع ذخایر هیدروکربنی -۱۰ درصد از ذخایر نفتی جهان و ۱۵ درصد ذخایر گازی- از جایگاه اول در دنیا برخوردار است (سلطانی، شریقی، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر از عواملی که سرمایه‌گذاری در اقتصادهای نوظهور را تسهیل می‌کند، معافیت‌های محیط‌زیستی است. به‌طور مثال در پروتکل زیست‌محیطی مربوط به تحلیل رفتن لایه اوزون کشورهای در حال توسعه در بروز این مشکل بی‌تقصیر شناخته شده‌اند و شرایطی برای این کشورها از جمله ارائه کمک هزینه و فناوری لازم برای جلوگیری از انتشار مواد مخرب در نظر گرفته شده است. همچنین فرصتی برای صنایع موجود در اقتصادهای نوظهور فراهم شده تا در صورت نیاز از تلاش‌های بین‌المللی در راستای اهداف توسعه از تعهدات زیست‌محیطی کناره بگیرند. در پروتکل کیوتو نیز در خصوص نشر گازهای گلخانه‌ای کشورهای توسعه‌یافته مورد هدف قرار گرفته‌اند (Ignazio, Foscari, 2016). همین امر اقتصادهای نوظهور را به‌عنوان مقصدی جهت سرمایه‌گذاری آسان، در اولویت انتخابی قرار می‌دهد.

کم‌ریسک و غیرسیاسی بودن ارتباط با اقتصادهای نوظهور

تمرکز بر غرب‌ستیزی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی برای اعمال تحریم‌ها از سوی غرب بود. از آغاز انقلاب تاکنون ایران همواره با چالش تحریم از سوی غرب روبه‌رو بوده است. چالشی که به باور برخی از کارشناسان پس از حملات یازده سپتامبر و پرننگ شدن رویکرد امنیت محور غرب به منطقه خاورمیانه در کنار پرونده هسته‌ای ایران، شرایط را نسبت به قبل پیچیده‌تر کرده است. در همین راستا تحریم‌های اعمال‌شده با تمرکز بر محدودیت‌ها و محرومیت‌های تجاری همواره توسعه اقتصادی ایران را با موانع سختی مواجه کرده است. این در حالیست که با توجه به رویکرد اقتصاد محور کشورهای نوظهور اقتصادی و اولویت‌دهی به توسعه اقتصادی بخصوص در دهه‌های اخیر، اقتصادهای نوظهور تمایل بیشتری برای تنظیم روابط خود با سایر کشورهای جهان بر اساس روابط اقتصادی و پیروی از الگوی وابستگی متقابل دارند. شاهد این امر تشکیل نهادهایی است چون طرح سازمان همکاری تجاری جامع منطقه‌ای که در سال ۲۰۱۲ مذاکرات آن در کامبوج با عضویت سه اقتصاد چین، هند و ژاپن آغاز شد. آرسی‌ای‌پی در منطقه‌ای کردن زنجیره‌های ارزش جهانی و تبدیل آسیا به یک کارخانه با قوانین تجاری یکدست نقش مهمی می‌تواند ایفا کند (Ganeshan, 2016). ادغام ایران در این نهادها با

توجه به همخوانی اهداف توسعه‌ای آن با اقتصادهای نوظهور، دور از تنش‌ها و وقفه‌هایی است که تا کنون در روابط با غرب به واسطه دغدغه‌های سیاسی تجربه کرده است.

نتیجه

نظم کنونی جهان به واسطه نقش‌آفرینی اقتصادهای نوظهور، در حال تقویت هر دو پدیده جهانی شدن و منطقه‌ای شدن است. شرایط پدیدآمده با توجه به جایگاه اقتصادهای نوظهور در بطن تحولات و پویایی‌های تعیین‌کننده، دسترسی ایران به اهداف توسعه اقتصادی را ممکن‌تر کرده است. در این میان مولفه‌های گوناگونی فرآیند توسعه اقتصادی ایران را تقویت می‌کنند که یکی از آن‌ها با توجه به نظم کنونی، برتری ژئوپلیتیک ایران در اتصال به زیرسیستم‌های منطقه‌ای است که ایران را از دینامیسم لازم جهت تسهیل روند انتقال کالا و انرژی برخوردار می‌کند. حجم بالایی تبادلات تجاری میان اقتصادهای نوظهور در کنار افزایش مسیرهای ارتباطی میان آن‌ها منجر به افزایش وابستگی متقابل بر اساس شکل‌دهی به زنجیره انتقال منطقه‌ای کالا و ظهور کریدورهای اقتصادی جدید می‌شود. در این راستا مشارکت ایران و اقتصادهای نوظهور مانند چین، روسیه، هندوستان و ترکیه با توجه به ظرفیت جغرافیایی ایران در اتصال مناطق شرق مدیترانه، روسیه، اوراسیا به مناطق جنوبی خلیج فارس، هندوستان و آسیای جنوبی از طریق چین، مسیری مناسب در پیش‌روی ایران ترسیم می‌کند که به لحاظ جغرافیایی سرعت و سهولت نقل و انتقال انرژی، کالا و فناوری را بالا می‌برد. مولفه دیگر غیرسیاسی بودن اقتصادهای نوظهور است که با توجه به تجارب پیشین ایران و غرب و حضور دغدغه‌های امنیتی، سیاسی و تضاد ژئواستراتژیک میان آن‌ها، کم‌ریسک‌تر و کم‌چالش‌تر خواهد بود. همچنین برخورداری اقتصادهای نوظهور از شاخص‌های مناسب در زمینه‌هایی چون رقابت‌پذیری و سهولت کسب‌وکار، تعاملات توسعه‌ای ایران و اقتصادهای نوظهور را با مزایایی چون آسان بودن و سریع بودن همراه می‌کند. در زمینه سرمایه‌گذاری نیز برای ایران که اقتصادی تک‌محصولی وابسته به صادرات انرژی دارد، اقتصادهای نوظهور به دلیل گسترش جمعیت بیشتر و به همان نسبت افزایش تقاضای انرژی هدفی مطلوب برای صادرات انرژی به حساب می‌آیند که در کنار وجود معافیت‌های زیست‌محیطی فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری به صورت دوجانبه ایجاد می‌کنند. در نهایت ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادهای نوظهور در کنار نظم نوین شکل‌گرفته با بازیگری آن‌ها تسری الگوی وابستگی متقابل به ایران به منظور محقق کردن اهداف توسعه اقتصادی را بیش از پیش ممکن کرده است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۹۵)، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران: نشر نی.
- ۲- بیلیس، جان؛ استیو اسمیت (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه: ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۳- خانی جوی‌آباد، محمود (۱۳۹۹)، اقتصاد سیاسی و سیاست خارجی: بررسی تطبیقی اقتصاد سیاسی بر سیاست خارجی ایران و چین و هند، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- ۴- ساعی، احمد (۱۳۸۵)، توسعه در مکاتب متعارض، تهران: نشر قومس.
- ۵- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- هارت، ویک؛ آلن ریچارد؛ ریچارد پیت (۱۳۹۰)، نظریه‌های توسعه، ترجمه: اسماعیل رحمان‌پور، رضا صفری‌شالی، مصطفی ازکیبا، تهران: نشر لویه.

منابع لاتین

- 1- Ehteshami Anoushirvan, Niv Horesh, (2020) How China's Rise Is Shaping the Middle East, Routledge.

- 2- Hass Richard, (2020), The World a Brief Introduction, New York, Penguin Press.
- 3- Keohane Robert O., Joseph S.NYE, JR., (2012), Power and Interdependence, Fourth Edition, PEARSON.
- 4- Khanna Parag, (2016) Connectography: Mapping the Future of Global Civilization, Random House.
- 5- Khanna Parag, (2019), The Future is Asian, Simun & Shuster.
- 6- Livesey Finbarr, (2017), From Global to Local, The Making of Things and the End of Globalization, Penguin Random House.
- 7- LO IO Vai, Mary Hiscock, (2014) The Rise of the BRICS in the Global Political Economy, Edward Edgar Publishing.
- 8- Xing Li, The International Political Economy of the BRICS, Routledge, 2019.

منابع اینترنتی

- 1- Doing business report, (2020), comparing business regulation in 190 economies, World Bank group, available at: www.doingbusiness.org
- 2- Ganeshan Wignaraja, (2016), RCEP - a life raft for trade liberalization in Asia, Asian Development Blog, available at: <https://blogs.adb.org/blog/rcep-life-raft-trade-liberalization-asia>
- 3- Global competitiveness report, (2018), World Economic Forum, available at: <https://www.weforum.org/reports/the-global-competitiveness-report-2018>
- 4- Grachikov Evgeny, (2019), Chinese School of International Relations: How Theory Creates Diplomatic Strategy and Vice Versa, Russia in Global Affairs, available at: https://www.academia.edu/40232606/Chinese_School_of_International_Relations_How_Theory_Creates_diplomatic_Strategy_and_Vice_Versa
- 5- Goldman Sachs, Millennials, 2017, <https://www.goldmansachs.com/insights/archive/millennials/>
- 6- Ignazio Musu, Ca' Foscari, (2016), The Paris Agreement and the emerging economies, available at: <https://www.osservatorio-economie-emergenti-torino.it/economie-emergenti/83-the-paris-agreement-and-emerging-economies-2.html>
- 7- The Global Competitiveness Report 2019, World Economic Forum, insight report, available at: http://www3.weforum.org/docs/WEF_TheGlobalCompetitivenessReport2019.pdf
- 8- khanna Parag, Farhan Farouqi, Natalie Black, (2020), Globalization 2.0, virtual briefing, Bloomberg webinar, available at: <https://event.bloomberglive.com/globalization-2-0/agenda/session/328044>
- 9- Korutaro Birungi, Nicholas Biekpe, (2013), Effect of business regulation on investment in emerging market economies, Review of Development Finance p. 41-50, Available online at: <https://www.semanticscholar.org/paper/Effect-of-business-regulation-on-investment-in-Korutaro-Biekpe/a1acf36568ab1cde31abe6178ce73c3fb7fb2757->
- 10- Kato Hironori, Makoto Chikaraishi, Kay W. Axhuasen, (2017), Built Environment and Transportation in Asian Megacities, Asian Transport Studies, Volume 4, Issue 3, 470-480, available at: <https://ethz.ch/content/dam/ethz/special-interest/baug/ivt-dam/vpl/reports/1201-1300/ab1242.pdf>
- 11- Legatum Prosperity index, (2019), Legatum Institute, available at: <https://www.prosperity.com/rankings>
- 12- Oxford University's Business College, (2017), Global Infrastructure Outlook- A G20 Initiative, Infrastructure investment needs 50 countries, 7 sectors 2040, Oxford Economics, available at: <https://outlook.gihub.org>
- 13- Net Zero by 2050: A Roadmap for the Global Energy Sector, International Energy Agency, 18 May 2021. <https://www.iea.org/reports/net-zero-by-2050>
- 14- Radman Alexander, Arun Sai, (2016), The next Frontiers, Credit Suisse Research Institute, available at: <https://www.credit-suisse.com/media/assets/corporate/docs/about-us/research/publications/csri-next-frontier-2016.pdf>
- 15- Schwab Klaus, Saadia Zahidi, (2020), The Global Competitiveness Report 2020, available at: http://www3.weforum.org/docs/WEF_TheGlobalCompetitivenessReport2020.pdf
- 16- Strobaek Michael, Nannette Hechler- Fayd' herbe, (2018), Supertrends One Year On, Credit Suisse, available at: <http://credit-suisse.com/supertrends,2018>
- 17- World oil outlook 2045, (2020), OPEC, available at: https://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/press_room/Launch%20of%20the%20WOO2020%20-%20presentation.pdf
- 18- World transparency report, (2018), Transparency International, available at: https://www.transparency.org/files/content/pages/2018_CPI_Executive_Summary.pdf

۱۹- برزگر، کیهان؛ زنجیره اتصال منطقه‌ای، روزنامه شرق، ۱۴۰۰/۸/۲۲ سایت روزنامه شرق مشاهده شده در ۱۴۰۱، لینک مشاهده:

<https://www.sharghdaily.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-100/300926->

%D8%B2%D9%86%D8%AC%DB%8C%D8%B1%D9%87-

%D8%A7%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D9%84-%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82%D9%87-

%D8%A7%DB%8C

۲۰- سلطانی، علیرضا؛ چرا ایران باید نفت بفروشد؟، روزنامه شرق، ۱۳۹۹/۱۰/۲ سایت روزنامه شرق، مشاهده شده در ۱۴۰۱، لینک

مشاهده:

[https://sharghdaily.com/fa/main/detail/275610/%DA%86%D8%B1%D8%A7-](https://sharghdaily.com/fa/main/detail/275610/%DA%86%D8%B1%D8%A7-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D9%86%D9%81%D8%AA-%D8%A8%D9%81%D8%B1%D9%88%D8%B4%D8%AF%D8%9F)

%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-

%D9%86%D9%81%D8%AA-%D8%A8%D9%81%D8%B1%D9%88%D8%B4%D8%AF%D8%9F

